

بازشناسی مبانی فریقین در اباحه ازدواج انقطاعی با رویکرد تقریبی

محمد صادقی^۱

سید مهدی میرداداشی^۲

فخرالدین جامعی فرد^{۳*}

چکیده

هرچند بر جواز ازدواج موقت در صدر اسلام اتفاق نظر وجود داشته است اما در فقه اهل سنت با اعتقاد بر تحریم آن از سوی قرآن، پیامبر و تاکید خلیفه دوم بر آن، ازدواجی نامشروع شمرده میشود. لیکن از آنجاییکه صدور این تحریم از ناحیه قرآن و پیامبر اکرم مورد تردید است و اما نفس صدور آن از سوی خلیفه دوم یقینی و مورد اتفاق فریقین است از جهت بررسی مبانی تحریم و برخلاف اتفاق علمای اهل سنت نظریه تحریم ازدواج انقطاعی از باب نهی حکومتی و مصلحتی از اطمینان زیادی برخوردار میشود و تحریم صادره برای هر زمان و هر مکان صادق نخواهد بود. بدین ترتیب از این جهت نظریه تحریم مطلق ازدواج انقطاعی ناصحیح خواهد شد. در فقه امامیه تحلیل این ازدواج بر پایه سبق قطعی اباحه آن، لحوق شائبه تحریم، در نهایت توصیه ائمه اطهار به انجام آن و بدین ترتیب برطرف شدن تردید در تحریم و یقینی شدن اباحه آن استوار است. اما بر خلاف حکم منسوب به فقه امامیه بر اباحه مطلق آن، از جهت مبانی، این انتساب، استوار نیست و بنا به مقتضیات زمانی و مکانی شامل احکام خمس می‌گردد. بدین ترتیب از باب تحلیل و تحقیق در مبانی و بر خلاف مشهور به نظر میرسد فریقین دارای وجه مشترک در عدم تحریم مطلق و عدم اباحه مطلق این نوع ازدواج هستند. در این پژوهش روش تحقیق تحلیلی و توصیفی می‌باشد.

کلید واژگان: ازدواج انقطاعی، استمتاع، احسان، حرمت، نسخ.

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه سلام الله علیها. قم، قم ایران. msadeghi4817@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. قم، قم ایران. mirdadashim@yahoo.com

^۳ - دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

ازدواج موقت فقط در فقه امامیه جایز است و در فقه تمامی مذاهب دیگر با اعتقاد بر مورد تحریم قرار گرفتن آن پس از اباحه، مورد حکم حرمت قرار گرفته است. اکنون سوال این است با توجه به مبانی تحریم و تحلیل این نوع ازدواج آیا یافتن وجه مشترک بین فریقین امکانپذیر هست یا خیر؟ به علاوه صرف نظر از فتاوی و نظر مشهور در این مذاهب، آیا از حیث مبانی تحریم و تحلیل بین آنها تعارض واقعی وجود دارد یا خیر؟ در این تحقیق بنا به موضوع و اینکه اصل بر اباحه می باشد و این حرمت است که به اثبات نیاز دارد و از طرفی فقه اهل سنت است که این ازدواج را مورد تحریم قرار داده است بدین ترتیب در ابتدا بحث بر پایه دلایل و قابلیت آنها در تحریم این نوع ازدواج در فقه اهل سنت شروع خواهد شد و در اثنای بحث نیز بنا به فراخور موضوع به اندازه لازم به فقه امامیه نیز اشاره می شود و سپس به نتیجه گیری خواهد پرداخته خواهد شد. اگرچه در بادی امر به نظر میرسد این موضوع تکراری است لیکن نگارنده با نوشته ای که با عنوان دقیق موضوع حاضر و طرح مبحث و تحلیل آن منطبق باشد مواجه نشده است و حتی راجع موضوعات مشابه به آن هم اگر چه نوشته های زیادی صورت یافته است اما تحقیقی که جامع و نیز عاری از خطا باشد باز چنین امری صادق است. از طرفی در برخی از نوشته های مؤلفین شیعی نقل قول هایی از بزرگان فقهی اهل سنت در باب نسخ ازدواج موقت مشاهده میشود که نگارنده با مراجعه مستقیم به نوشته های مفسرین و فقهای اهل سنت متوجه برداشت ناصواب محققین شیعی از آنان گردیده که در نوشته حاضر به آنها اشاره میشود. منابع تحریم ازدواج موقت در اهل سنت را می توان از جهتی به قرآن، روایات منسوب به پیامبر اکرم و به نهی خلیفه دوم؛ عمر بن خطاب؛ تقسیم نمود که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می شود.

۱_ مفهوم شناسی

۱-۱ تعریف ازدواج

۱-۱-۱ ازدواج در لغت

مفهوم ازدواج از زوج و زوجه گرفته شده است. لذا مفهوم یابی یابی آنها ضرورت دارد. زوج و زوجه: «زوج الشی بالشی، و زوجه الیه یعنی قرنه به» یعنی: اقرآن، نزدیک بودن و پیوستن است (ابن منظور، ج ۴، ۴۳۰). خداوند متعال می فرماید: «أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى». (نجم: ۴۵) در کلام عرب، زوجین به معنی اثنان می باشد که هر کدام از آنان زوج است؛ مذکر باشد یا مؤنث (ابن منظور، همان، ۲۹۴). پس زوج، هم به زن

اطلاق می‌شود «یا آدمُ اسکنُ أنتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ» (بقره: ۳۵) و هم به مرد (بقره: ۲۳۰). «فَلَا تَجِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجاً غَيْرَهُ» (قرشی، ج ۳، ۱۸۵).

۱-۱-۲ نکاح در لغت

نکاح در اصل و ریشه به معنی وطی است که در صیغه عقد ظهور پیدا می‌کند. از این رو، به سبب وطی، به عقد و صیغه، اطلاق شده است که همان تَزَوُّجٌ و نکحْتُ می‌باشد (جوهری، ج ۱، ۴۱۳). ازهری بیان کرده است که اصل نکاح در زبان عربی همان الوط است که عقد می‌باشد و ازدواج کردن، نکاح می‌گویند. گفته می‌شود نکحتها و نکحْتُ همان تزوجتُ است. (ابن منظور، ج ۲، ۶۲۶)

۱-۱-۳ منظور از ازدواج

ازدواج، نکاح، زناشویی و همسر گرفتن مرد یا زن است به سبب عقد. ازدواج همراه با شرایط آن تحقق می‌یابد. عقد ازدواج یا برای مدتی معین منعقد می‌شود یا برای همیشه که از اولی به متعه یا ازدواج موقت و از دومی به ازدواج دائم تعبیر می‌شود (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ج ۱، ۳۹۰). اما ملک یمین یعنی کنیزی که مملوک انسان است و به واسطه مملوک بودن بر مولی حلال است. معاصران اهل سنت مانند ابو زهره ازدواج را این گونه تعریف می‌کند: ازدواج عقدی است که استمتاع بین زن و مرد را به شکل مشروع حلال می‌کند و برای هر کدام از آنان حقوق و تکالیفی قرار داده می‌شود (عبدالوهاب، بی تا، ج ۲، ۶۳).

پس در نزد فقهای ما ازدواج‌های مشروع و حلال به طور کلی سه قسم است:

۱- ازدواج دائم؛ ۲- ازدواج موقت یا متعه؛ ۳- ملک یمین.

۱-۱-۴- منظور از ازدواج موقت: موقت از وقت گرفته شده و به معنای مقداری از زمان است؛ هر چیزی که زمان مشخصی دارد به آن موقت گفته می‌شود و چیزی که نهایت آن تعیین شده باشد (ابن منظور، لسان العرب، ص ۱۰۷، ج ۲ همچنین رجوع شود به؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۵، ۱۹۹). ازدواج موقت عقدی زناشویی است که زمان آن مشخص و اجرت آن معین و موصوف می‌باشد و به نکاح متعه و نکاح موقت نیز تعبیر می‌شود که با انتهای مدت آن، منحل می‌شود و به طلاق و لعان نیاز ندارد. (شیخ مفید، ۴۹۸؛ و نجفی، ج ۳۰، ۱۵۱) ریشه ازدواج موقت این سخن خداوند است که می‌فرماید:

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَجَلٌ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نسا: ۲۴)

یعنی: و زنان شوهردار بر شما حرام است؛ مگر آنان را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید؛ اینها احکامی است که خداوند برای شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاک‌دامن باشید و از زنا، خودداری کنید و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می‌کنید، واجب است مهر آنان را بپردازید و در آنچه بعد از تعیین مهر با یکدیگر توافق کرده‌اید، گناهی بر شما نیست. خداوند دانا و حکیم است.

تعریف دیگر ازدواج موقت، نکاحی است که همه ارکان عقد دائم و آثار آن را دارا می‌باشد و فرق آن با عقد دائم در ذکر مدت و بعضی از احکام مانند عدم نفقه و ارث و مانند آن می‌باشد (مکارم شیرازی، ج ۱، ۹۵).
عدم آگاهی از تعریف صحیح نکاح موقت موجب سوء برداشت‌هایی شده است؛ از آن جمله که گاهی تصور می‌شود متعه چیزی غیر از نکاح می‌باشد؛ در حالی که شک نداریم که نکاح موقت و متعه قسمی از نکاح است و به همین دلیل در اکثر احکام با نکاح دائم یکسان است و تنها در بعضی از احکام با آن تفاوت دارد که در بحث‌های ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

ملک یمین: ملک یمین ازدواج با کنیز است که دو گونه دارد: گاه انسان مالک کنیز است، در این صورت، آمیزش مالک با کنیز جایز است، مگر آن که به ازدواج شخص دیگری درآمده باشد (مروراید، ج ۱۹، ۵۴۰) و گاه مالک زناشویی با کنیزش را به شخص دیگری مباح می‌کند که در اصطلاح به آن تحلیل گویند. هر دو فرض مذکور، در ملک یمین قرار دارد. اغلب، تحلیل را تملیک منفعت دانسته‌اند؛ ولی برخی، آن را نیز نوعی از عقد به شمار آورده‌اند.

۲-۱- ارکان ازدواج موقت

۱-۲-۱- ارکان ازدواج موقت در امامیه

در امامیه ارکان ازدواج عقد نکاح به ایجاب و قبول لفظی است که باید با لفظ صریحی که غیر از نکاح (مثل اجاره) از آن برداشت نشود، باشد (محقق حلی، ج ۲، ۴۹۸ و الجزیری، ج ۴، ۲۴).
اما ارکان عقد ازدواج موقت در نزد فقهای امامیه به شرح ذیل است:
۱- صیغه: عقد متعه همچون سایر عقود از ایجاب و قبول تشکیل می‌گردد.

بازشناسی مبانی فریضین در اباحه ازدواج انتظامی با رویکرد تقریبی / ۲۳۷

ایجاب که توسط زن خوانده می‌شود، به قول مشهور، باید با یکی از الفاظ «زَوَّجْتُكَ»، «مَتَّعْتُكَ» یا «أَنْكَحْتُكَ» باشد و عقد با الفاظ دیگر مانند «تملیک»، «هبه» و «اجاره» منعقد نمی‌شود و قبول توسط مرد با لفظی که بر انشا رضایت او دلالت کند - مانند «قَبِلْتُ النِّكَاحَ»، «قَبِلْتُ المَتْعَةَ»، «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ» یا «قَبِلْتُ» به تنهایی - محقق می‌گردد (نجفی، ج ۳۰، ۱۵۴).

۲- زوجین: ازدواج موقت میان مرد و زن مسلمان و نیز به قول مشهور بین متأخران، میان مرد مسلمان و زن کتابی (اهل کتاب) صحیح است، لیکن میان زن مسلمان و مرد کتابی جایز نیست (محدث بحرانی، ج ۲۴، ۵). مستحب است زنی که برای عقد منقطع اختیار می‌شود، با ایمان (شیعه) و عفیف باشد و در صورت متهم بودن، از حال وی سؤال شود. به قول مشهور، ازدواج موقت با زن زناکار مکروه و به قول برخی، حرام است. در صورت متعه کردن وی، بازداشتن او از زنا مستحب است (نجفی، ج ۳۰، ۱۶۰).

۳- مهر: ذکر مهر، شرط صحت عقد منقطع است و اگر ذکر نشود، عقد باطل است و اختلافی در آن نیست. از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

«لَا تَكُونُ مَتْعَةٌ بِمَرِينٍ بِأَجْلِ الْمَسْمُومِ وَ أَجْرِ الْمَسْمُومِ» و زن به صرف عقد، مالک مهر می‌شود (نجفی، ج ۳۰، ۱۶۴-۱۶۸).

۴- مدت: ذکر مدت، شرط صحت عقد منقطع است و به قول مشهور، در صورت عدم ذکر آن، عقد دائم واقع می‌شود. (نجفی، ج ۳۰، ۱۷۲) مدت، باید معین و غیر قابل افزایش و کاهش، در ازدواج موقت، طلاق نیست و زن و شوهر با تمام شدن مدت یا بخشیدن آن توسط مرد، از یکدیگر جدا می‌شوند.

۱-۲-۲ ارکان ازدواج در اهل سنت

در اهل سنت، در بین مذاهب اربعه، اختلاف چندانی در خصوص ارکان ازدواج وجود ندارد؛ ارکان ازدواج در حنفیه ایجاب و قبول است از دو طرف (ابن نجیم مصری، ج ۳، ۱۳۸). و در غیر احناف، چهار رکن است؛ صیغه (ایجاب و قبول)، زوج، زوجه، ولی و شاهدان. همچنین در روایتی از ابن حبان از عایشه نقل کردند که «لا نکاح الا بولی و شاهدی عدل ما کان من نکاح علی غیر فهو باطل» (شربینی شافعی، ج ۲، ۱۷؛ دسوقی، ج ۲، ۲۱۵) ارکان نکاح در فقه شافعی عبارت هستند از: صیغه، زوجین، دو شاهد و ولی (حسامی، محمد عزیز و ، فرزاد، پارسا، ج ۲، ۶۱)؛ عده‌ای از ائمه شافعی، شاهدان را از شرایط نکاح می‌دانند (الجزیری، ج ۴، ۱۷). مالکیه: ولی زوجه، صدق (مهریه)، زوج، زوجه و صیغه؛ البته برخی گفته‌اند که مهریه رکن و شرط نیست (الجزیری، ج ۴،

۲۷). ارکان عقد نکاح در مذهب حنبلی، صیغه، ولی، دو شاهد و زوج می‌باشد. در احوال شخصیه ازدواج با ایجاب و قبول از هر دو طرف یا به وسیله وکیل آنان در مجلس منعقد می‌شود و این نشان می‌دهد که در مذاهب اهل سنت بیشتر به ایجاب و قبول زوجین تأکید دارند و آن را رکن اصلی ازدواج می‌دانند (الرعینی، ج ۵، ۱۷۲).

۲- نقد و تحلیل تحریم ازدواج موقت

در فقه اهل سنت منابع اصلی جهت تحریم ازدواج موقت، قرآن و روایات می‌باشند چنانچه خواهد آمد. تحریم توسط قرآن، خود به دو قسم تحریم توسط ظاهر قرآن و تحریم توسط نسخ قرآنی تقسیم می‌گردد و به علاوه تحریم توسط خلیفه دوم نیز به عنوان دلیل فرعی از دلایل تحریم این نوع ازدواج محسوب می‌گردد.

۲-۱- ادله تحریم ازدواج موقت در قرآن

نگارنده با مراجعه به منابع اهل سنت در نحوه استناد به قرآن جهت اثبات تحریم ازدواج موقت به دو روش مواجه شده است، اول: گروهی از فقهای اهل سنت اعتقاد دارند ظاهر قرآن دلالت بر تحریم ازدواج موقت دارد و دسته‌ای دیگر که در واقع شامل صحابه و تابعین می‌گردد اعتقاد بر نسخ جواز ازدواج موقت توسط قرآن دارند که در ادامه با ذکر منبع به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱-۱- تحریم ازدواج موقت توسط ظاهر قرآن

۲-۱-۱- آیات ۲۹ و ۳۰ سوره معارج: یکی از نویسندگان اهل سنت در راستای اثبات تحریم ازدواج موقت در قرآن، به استناد آیه ۳۰ و ۲۹ سوره معارج که در آیه ۶ سوره مؤمنون نیز تکرار شده است به صراحت اعلام داشته ظاهر قرآن بر تحریم این نوع ازدواج دلالت دارد. (رشید رضا، ۱۳۲۸، ج ۵، ۱۳)

با ملاحظه دیدگاه مفسرین اهل سنت به نظر می‌رسد تنها مفسری که با این صراحت اعلام نموده نامبرده می‌باشد و گروهی نیز به طور تلویحی معتقد بر دلالت ظاهر قرآن بر تحریم ازدواج موقت بوده‌اند؛ چنانکه یکی از این نویسندگان اهل سنت به استناد آیات فوق بیان می‌دارد:

«و الذین هم لفروجهم حافظون الاعلی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فَأُولَئِکَ هم العادون. آنان که نگه‌دارنده دامن خود هستند مگر در کامجویی از همسران و کنیزان خویش که آنها در این زمینه مورد سرزنش نیستند. (معارج ۳۰، ۲۹)»

وجه استدلال این آیه بر تحریم ازدواج موقت این است که خداوند تمام زنان را بر تمام مؤمنان حرام کرده است مگر آن‌هایی که ناشی از عقد ازدواج شرعی (ازدواج دائم) و یا ملک یمین (کنیز) باشند و از طرفی زن

ناشی از ازدواج موقت هیچ‌کدام از آنها نیست زیرا اینکه زن ناشی از ازدواج موقت کنیز نیست، به اجماع کل مسلمین است و اما زوجه شرعی هم نیست به دلیل آنکه احکامی که در قرآن متعلق و اختصاص به زوجه هستند مانند احکام طلاق، ارث، عده، عدد، نفقه و مانند آن شامل زن ناشی از ازدواج موقت نمی‌گردد. (المحمدی تحریر المتعه فی الكتاب و السنه، برنامه نرم افزاری مکتبه الشامله) البته این نظر مخالفینی دارد که در ادامه مباحث به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۲- آیه ۲۴ سوره نسا: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَنْتَعُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا». (نسا: ۲۴) قبل از ورود به مبحث اهل سنت ذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که فقه امامیه که برخلاف فقه تسنن اعتقاد بر اباحه ازدواج موقت دارد یکی از دلایل این اعتقاد را وجود واژه (استمتاع) در آیه ۲۴ سوره نساء می‌داند. بدین صورت که این واژه را بر ازدواج موقت معنا نموده و سپس از آنجایی که استمتاع مذکور در این آیه حلال بوده اعتقاد بر تجویز ازدواج موقت در قرآن کریم دارند و دلایل و توضیحات مبسوط و قابل توجهی در این خصوص بیان داشته‌اند که در این نوشتار به دلیل محدودیت موضوع از ورود به آنان خودداری و علاقه‌مندان می‌توانند به منابع مربوطه مراجعه نمایند.

ولی برخلاف مفسرین امامیه یکی از فقهای اهل سنت اعتقاد دارد که نه تنها واژه استمتاع مذکور بر اباحه ازدواج موقت دلالتی ندارد بلکه بر پایه وجود واژه (غیر مسافحین) و واژه (محصنین) در این آیه بیان نموده است؛ این آیه بر تحریم ازدواج موقت دلالت دارد بدین صورت که واژه (محصنین)، ناظر بر اباحه ازدواج دائم است؛ زیرا که احصان، تنها در نکاح صحیح (دائم) صورت می‌پذیرد نه در ازدواج موقت در نتیجه واژه (فما استمتعتم) که شیعه امامیه از آن به دلالت بر اباحه ازدواج موقت نتیجه گرفته است فقط بر اباحه ازدواج دائم دلالت دارد. به علاوه، واژه (غیر مسافحین) در آیه نیز دلالت بر اباحه انحصاری ازدواج دائم و نه ازدواج موقت دارد زیرا بر اساس آن، خداوند انسان‌ها را از ازدواجی که فقط به قصد سفاح (ریختن آب) باشد نهی نموده است که باید گفت ازدواج موقت نیز چیزی به غیر از سفح الماء (ریختن آب) نیست در نتیجه قرآن از آن نهی نموده است. (جصاص، جلد ۲، ۱۸۴) ولی این نظر مانند بند قبل نیز مخالفینی دارد که در بند بعدی به آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱-۲- رد نظریه تحریم ازدواج موقت توسط ظاهر قرآن

چنان که ملاحظه گردید گروهی از فقهای اهل سنت به استناد آیات ۲۹ و ۳۰ سوره معارج و اینکه زن ناشی از ازدواج موقت زوجه محسوب نمی گردد و از طرفی این آیات تمتع جنسی با زوجه را حلال دانسته است نتیجه بر آن داشتند که ظاهر قرآن بر تحریم ازدواج موقت دلالت دارد، ولی باوجود استدلال فوق مفسرین دیگری از این مذهب دیده می شود که زن ناشی از ازدواج موقت را زوجه می دانند در نتیجه در اتخاذ استدلال فوق جهت تحریم ازدواج موقت اتفاق نظری وجود ندارد. مفسرینی از جمله:

۱- زمخشری در تفسیر کشاف می گوید: (آیا آیه ازدواج دلالت بر تحریم متعه می نماید؟ خواهیم گفت: خیر؛ زیرا منکوحه، در نکاح متعه، در صورتی که نکاح صحیح باشد، از جمله ازدواج محسوب می گردد (زمخشری، ۱۲۷۹، ج ۲، سوره مؤمنون، ۹۱۸)

۲- ابن عربی در احکام القرآن می گوید: (گروهی معتقدند که آیه ازدواج؛ آیه ۶ سوره مؤمنون؛ دلالت بر حرمت متعه می نماید زیرا خداوند متعال به موجب آیه فوق «ارتباط جنسی» را حرام نموده مگر به واسطه نکاح و ملک یمین و از آنجایی که متعه زوجه محسوب نمی شود، لذا متعه حرام است ولی باید گفت: این استدلال ضعیف است زیرا هنگامی که می گوئیم نکاح متعه جایز است نتیجه گرفته می شود که متمتع بها، تا پایان مدت زوجه محسوب شده و بروی لفظ زوجه اطلاق می گردد.) (وکیلی، ۱۳۷۳، ۹۳، به نقل از ابن عربی، بی تا، ج ۳، ۱۳۳) به علاوه در فقه امامیه نیز زوجه محسوب شدن زن ناشی از ازدواج موقت مورد اتفاق است به صورتی که یکی از مفسرین آن حوزه فقهی ضمن بیان چندین دلایل عقلی و نقلی در اثبات زوجه بودن زن ناشی از ازدواج موقت، این همین که در بعضی از روایات مربوط به این نوع ازدواج در لسان صحابه و تابعین از لفظ نکاح استفاده شده است را جهت اثبات این امر کافی دانسته است.

یکی دیگر از دلایل در فقه اهل سنت که از ظاهر قرآن بر تحریم ازدواج موقت نتیجه شده بود وجود واژه ی مسافحین و احصان در آیه ی ۲۴ سوره ی نسا و دلالت آنها بر تحریم ازدواج موقت و نیز رد دلالت واژه ی استمتاع در این آیه بر جواز ازدواج موقت که فقه امامیه بر اساس این واژه چنین اعتقادی دارد استوار بود که شرحش امد، اما در مقابل باید گفت بیان آن استدلال و دلیل در عدم دلالت استمتاع مذکور در آیه فوق در بین گروهی از اهل سنت بر ازدواج موقت و در نتیجه عدم جواز ازدواج موقت در حالی است که اول اینکه در منابع اهل سنت در روایت هایی که از پیغمبر اکرم (ص) و یا صحابه و تابعین نقل شده است دیده می شود، هر کجا واژه

استمتاع در کنار نکاح استفاده شده است، آن را به ازدواج موقت تعبیر کرده و یا هرکجا قصد بیان ازدواج موقت داشته‌اند از واژه استمتاع استفاده نموده‌اند مانند:

ربیع بن سبره جهنی از پدرش روایت کرده است که همراه پیغمبر هنگامی که او بین رکن و مقام در کعبه ایستاده بود، بودیم که فرمود (یا ایها الناس إنی امرتکم بالاستمتاع من هذه النساء الا و ان الله قد حرمها علیکم الی یوم القیامه فمن کان عنده منهن شیء فلیخل سبیله لا تأخذوا مما آتیتموهن شیئاً...) ای مردم من به ازدواج موقت از این زن‌ها امر داده بودم لیکن تا روز قیامت خدا ازدواج موقت را بر شما حرام کرد (سیوطی، الدورالمنثور، جز ۲، ۱۳۹ - ۱۴۱)... دوم اینکه یکی از مفسرین مشهور اهل سنت به نام فخر رازی برخلاف نظر فوق در مقام برداشت و تفسیر خود از واژه استمتاع در آیه ۲۴ سوره نساء به صراحت از این عبارت (ظاهر این است که ازدواج دائم را استمتاع نمی‌نامند به علت اینکه استمتاع به معنی تلذذ است و مجرد نکاح تلذذ نیست) استفاده نموده است (فخر رازی، بی تا، ج ۱۰، ۵۰) و در ادامه سخنان فوق در رد استدلال گروه فوق از مفسرین اهل سنت که از واژه (محسنین) و واژه (غیر مسافحین) مذکور در آیه ۲۴ سوره نساء بر تحریم ازدواج موقت تفسیر نموده‌اند بیان می‌دارد: «و اما در جواب دلیلی که گفته است احسان جز در نکاح صحیح {دائم} صورت نمی‌پذیرد باید گفت برای اثبات این مطلب دلیلی اقامه نشده است اما در جواب دلیلی که گفته است زنا سفاح نامیده می‌شود؛ چراکه در آن مقصودی غیر از مقصود سفح الماء (ریختن آب) موجود نیست و به این دلیل نیز زنا حرام شده است و از طرفی در متعه هم مانند زنا غیر از مقصود سفح الماء (ریختن آب) قصدی موجود نیست در نتیجه متعه هم حرام است باید گفت مقصود از متعه، سفح الماء (ریختن آب) به طریق مشروع که خداوند در آن اذن داده است است نه آنکه زنا باشد و اگر بگوییم متعه حرام است این تازه ابتدای بحث است و این کلام سستی است» (همان، ۵۳).

شایان ذکر است علاوه بر نویسنده فوق از علمای اهل سنت، علمای فقه امامیه نیز در رد استدلال این دسته از مفسرین اهل سنت که توسط واژه‌های (مسافحین) و (محسنین) مذکور در آیه ۲۴ سوره نساء در صدد اثبات تحریم ازدواج موقت بوده‌اند مطالبی بیان داشته‌اند که با توجه به محدود بودن موضوع این نوشتار از ورود به آن اجتناب گردیده و علاقه‌مندان می‌توانند به کتب مربوط از آن جمله تفسیر المیزان تألیف علامه طباطبایی رجوع نمایند. خلاصه ی آن این است که در تشریح حکم نکاح از ناحیه شرع مصلحت‌ها و ملاک‌های واقعی معیار بوده ولی این مصالح، مقدمات غالبی هستند یعنی غالباً به نتیجه منتهی می‌شوند نه دائماً، پس نه همه ازدواج

ها به پیدایش فرزند منتهی می شوند و این نیست که هر نزدیکی ناشی از ازدواجی به فرزند انجامیده نگردید آن را غیر مشروع بدانیم. (طباطبایی، ج ۴، برداشت از صص ۴۸۲-۴۷۵)

۲-۱-۲- تحریم ازدواج موقت بواسطه نسخ قرآنی

روش دیگر در اثبات تحریم ازدواج موقت توسط قرآن بر این پایه استوار است که اگرچه عبارت (فما استمتعتم به منهن) به اباحه ازدواج موقت دلالت دارد ولی بعدها توسط آیات دیگر و یا سنت نسخ شده و در نتیجه ازدواج موقت اکنون فاقد مشروعیت است. بدین صورت که در ابتدا گروهی از صحابه لفظ استمتاع در آیه ۲۴ سوره نساء را بر اباحه ازدواج موقت تفسیر نموده‌اند و سپس به نسخ این آیه توسط آیات میراث، طلاق و عده اذعان داشته‌اند. از جمله:

- از ابن مسعود روایت کرده‌اند که وی گفته است آیه متعه با آیه طلاق و صدقه و عده و میراث، نسخ شده است. چون در متعه این‌ها وجود ندارند. (سیوطی، ۱۴۲۴، ۳۳۱ به نقل از ابی المنذر، ج ۵، باب المتعه، ش ۶۷) با مطالعه‌ای که نگارنده انجام داده است مشاهده گردید که این روش فقط در بین گروهی از صحابه و تابعین دیده می‌شود فقیهی از فقه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت که بر این روش اعتقاد داشته باشد، ملاحظه نگردید و اگرچه در برخی از نوشته‌های فقه امامیه (عباس زاده، ۳۸) این استدلال را به فقه‌های اهل سنت منتسب نموده‌اند ولی به نظر می‌رسد این انتساب اشتباه است.

۲-۳-۲- ادله روایی تحریم ازدواج موقت

۲-۳-۲-۱- روایت دال بر نهی ازدواج موقت توسط پیامبر

- عبدالرزاق در جامع از علی روایت کرده که وی فرمود پیغمبر (ص) متعه را نهی کرد و متعه برای کسی بود که نمی‌توانست زن دائم بگیرد و همین که آیه نکاح و طلاق و عده و میراث زن و مرد نازل شد پیغمبر (ص) متعه را نهی کرد. (متقی هندی، ج ۱۶، ۵۲۷)

۲-۳-۲-۲- روایت دال بر اباحه ازدواج موقت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و تحریم بلافاصله

توسط آنحضرت

- عبدالرزاق و احمد و مسلم از ربیع سیره الجهنی روایت کرده‌اند که وی گفت: (پدرم گفت پیغمبر در سال فتح مکه، زنان را اجازه داد. من با یکی از اقوام برای متعه کردن زنان بیرون رفتیم من از آن مرد زیباتر بودم او زشت بود، هر کدام ما بردی همراه داشتیم بود من کهنه و برد آن دیگری تازه و نو بود، همین که به بالای شهر

مکه رسیدیم زن جوانی را دیدیم که قامتی بلند و گردنی افراشته و صورتی زیبا داشت به او گفتیم ممکن است متعه یکی از ما بشوی، زن پرسید چه می‌دهید ما دو بردی که داشتیم گسترده‌تر رفیق من به آن زن گفت نگاه کن برد او کهنه و برد من نو است زن گفت مانعی ندارد من او را با برد کهنه می‌پذیرم من آن زن را متعه کردم ما از مکه نرفته بودیم که پیغمبر متعه را حرام کرد. (همان، ۵۲۴- سیوطی، جزء ۲، ص ۱۳۹)

۲-۳-۳- روایت دال بر نهی ازدواج موقت توسط خلیفه دوم:

- ابن عساکر و تمام روایت کرده‌اند که عمر (رضی الله عنه) گفت: (دو متعه در زمان پیغمبر "ص" حلال بوده و من آن دو را حرام می‌کنم و مرتکب آن را کیفر می‌دهم و این دو متعه، متعه حج و متعه زنان است. (متقی هندی، ۵۲۱)

۲-۳-۴- روایت دال بر اختلاف زمان در نهی پیامبر بر تحلیل ازدواج موقت:

از سلمه بن اکوع روایت شده که وی گفت پیغمبر (ص) در سال او طاسی سه روز متعه را حلال فرمود و بعد از آن و پیش از آن متعه حلال نشده است. (متقی هندی، جلد ۱۶، ۵۲۶)

- (بیهقی در سنن از ابن عمر روایت کرده که پیغمبر "ص" روز خیبر متعه زنان را تحریم کرد. (همان)
- (مالک و عبدالرزاق و ابن سیبه و بخاری و مسلم و ترمذی و سنایی و ابن ماجه از علی بن ابیطالب "رضی الله عنه" روایت کرده‌اند که پیغمبر "ص" روز خیبر، متعه زنان و خوردن گوشت الاغ اهلی را تحریم فرمود. (همان، به نقل از سیوطی، ۱۴۲۴، جزء ۲، ۱۴۱-۱۳۹)

- (ابو داود از ربیع سرجهنی روایت کرده است که وی گفت از پدرم شنیدم که رسول خدا "ص" در حج الوداع متعه را نهی کرده است. (قرطبی النمری، بی تا، جزء ۵، ۵۰۲)

یا (عبدالرزاق و احمد و مسلم از ربیع بن سبره الجهنی روایت کرده‌اند که متعه در یوم فتح حلال و حرام شده است. (همان، به نقل از سیوطی، ۱۴۲۴، جزء ۲، ۱۴۱-۱۳۹) در خصوص بررسی و تحلیل این دسته از روایات در مباحث آتی در مقام حل تعارض در روایات تحریم ازدواج موقت و میزان توفیق در حل این تعارض سخن به عمل خواهد آمد.

۲-۴- روایات متعارض با تحریم ازدواج موقت

روایات متعارضی از اهل سنت در مقابل ادله تحریم وارد شده که به بعضی از آنها اشاره می‌شود؛ از آن جمله

است:

۲-۴-۱- روایات دال بر عدم نسخ ازدواج موقت

محمد بن جعفر از شعبه از الحکم یعنی ابن عیینه روایت کرده که این آیه را از او پرسیدم چنین خواند (فما استمتعتم به منهن) پرسیدم: (آیا این آیه منسوخ است؟) گفت: (خیر) بعدالحکم، گفت: (علی "رضی الله عنه" گفته است اگر عمر "رضی الله عنه" متعه را نهی نمی کرد هیچ کس جز مردان شقی زنا نمی کردند.) (همان ۵۲۲)

۲-۴-۲- روایات حاکی از قرائت آیه توسط ابن عباس و ابن بن کعب با ((علی اجل

مسمی))

حبیب بن ابو ثابت می گوید: (ابن عباس قرآنی به من داد و گفت این قرآن به قرائت ابی بن کعب است ابوبکر می گوید یحیی گفت که این آیه چنین بود (فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمی) (طبری، تفسیر طبری، جلد ۸، ۱۷۷) حتی یکی از مفسرین امامیه به نظر یکی از مفسرین اهل سنت مبنی بر اینکه این قرائت شاذ و کمیاب بوده و به همین دلیل قابل استناد جهت تجویز ازدواج موقت نمی باشد اشاره نموده است و آن را مورد نقد و بررسی قرار داده و در آخر بر تحلیل ازدواج موقت و عدم تحریم آن نتیجه گرفته است. (طباطبایی، همان)

۲-۴-۳- روایات دال بر مشروعیت ازدواج موقت در هنگام ضرورت و عدم جواز آن در

غیر ضرورت

روایت شده از شعبه که از ابو حمزه روایت کرده که می گفت از قول ابن عباس درباره متعه زنان از او سؤال شد و او اجازه داد. در همان موقع یکی از غلامان ابن عباس گفت: (متعه زنان هنگامی جایز است که وضع عادی نباشد و دسترسی به زنان کم باشد) ابن عباس گفت: آری چنین است (بخاری، جلد ۵، ۱۹۶۷)

با ملاحظه احادیث مذکور و مطابقت احادیث هر قسمت با قسمت های دیگر باید گفت که بین آن ها در مشروعیت و عدم مشروعیت ازدواج موقت تعارض وجود دارد و برای این تعارض توسط اهل سنت جوابی دیده نمی شود اما با وجود اینکه در بین احادیث از حیث تعیین زمان نهی پیغمبر (ص) تناقض وجود دارد ولی در فقه اهل سنت جهت رفع تعارض آن سه روش دیده می شود که در بحث زیر به آن پرداخته خواهد شد که چنان که ملاحظه خواهد گردید جهت رفع تعارض در این مسئله نیز راه حل واحدی در میان اهل سنت وجود ندارد.

۲-۵- روشهای حل تعارض تحریم ازدواج موقت

چنانچه در گفتار قبل ملاحظه گردید اعتقاد بر دلالت قرآن بر تحریم ازدواج موقت بین همه مفسران اهل سنت رایج نیست و گروهی از آنان بر آن اشکالی وارد نموده اند و شاید به دلیل اشکالات وارده است که

نویسنده‌ای از اهل سنت با اشاره به نقل‌قولی از ابن جوزی نتیجه گرفته که بهتر است گفته شود که ازدواج موقت را شخص پیغمبر اکرم (ص) حلال و سپس تحریم کرده است و نه قرآن (الحامد، بی تا، ۵۰ و ۱۳). از این رو روش‌های حل تعارض روایات متعارض هر کدام می‌تواند در کشف مقصود موثر باشد و نیز در مباحث قبل ملاحظه گردید که در روایات مربوط به تحریم ازدواج موقت تعارض وجود دارد. در جهت رفع تعارض نیز روش‌های مختلفی در فقه اهل سنت دیده می‌شود که در ادامه به آنها اشاره و به تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

۲-۵-۱- روش نسخ موخر اباحه توسط قرآن

نویسنده‌ای از اهل سنت چنین بیان داشته است: (آنچه در این باب "متعه" می‌شود بر آن اعتماد کرد این است که بگوییم همانا ما منکر مباح بودن متعه نیستیم بلکه قائل به نسخ آن هستیم و بر این گمان اگر آیه دلالت بر مشروعیت متعه داشته باشد عیب و خللی در مقصود ما عارض نمی‌شود. و اما تمسک به قرائت ابن کعب و ابن عباس مشروعیت متعه ثابت می‌شود و ما نزاعی بر آن نداریم ولی ما قائل به این هستیم که ناسخ آن به صورت متواتر و یا خبر واحد موجود است). (فخر رازی، ۵۳) البته در مباحث قبل دیده شد که در روایات مربوط به تحریم ازدواج موقت تعارض وجود دارد. البته در فقه اهل سنت جهت رفع تعارض راه‌هایی دیده می‌شود که در مباحث آتی به آنها و میزان توفیق در این امر پرداخته خواهد شد.

۲-۵-۲- مشروعیت ازدواج موقت توسط پیامبر و عدم نهی پس از آن

اسماعیل از قیس روایت کرده که قیس گفت از عبدالله یعنی ابن مسعود شنیدم می‌گفت با پیغمبر (ص) به جنگ رفته بودیم زن با ما نبود ما اجازه خواستیم که خود را اخته کنیم پیغمبر (ص) ما را از آن کار بازداشت و دستور داد زن را در برابر دادن یک جامه برای مدت معینی نکاح کنیم (متقی هندی، جلد ۵۲۲، ۱۶)

۲-۵-۳- روش تأکیدی تحریم ازدواج موقت

گروهی - از اهل سنت از جمله نووی اعتقاد دارند که اگرچه در ظاهر در زمان تحریم ازدواج موقت، تعارض دیده می‌شود لیکن اصل بر این است که تحریم متعه در یک زمان و آن هم در روز فتح مکه بوده و تحریم در زمان‌های دیگر از بابت تأکید بوده است و حقیقت این است که اشکالی ندارد شارع ازدواج موقت را در یک زمان نهی سپس در زمان دیگر آن را از جهت تأکید و یا برای شهرت نهی تحریم کند تا اینکه اگر کسی نهی، متعه را نشنیده است بشنود و راجع نهی در حجه‌الوداع بیان می‌دارد که نهی در حجه‌الوداع برای اطلاع دادن حاضر به غایب بوده و گرنه نهی قبلاً صورت یافته است. (امام نووی، بی تا، هامش الارشادالساری، جزء ۶، ۱۱۹)

نکته دیگری که از این سخن برداشت می‌شود این است که از نظر آن نویسنده اینکه کسی از صحابه از مسئله اباحه و تحریم متعه در زمان پیغمبر (ص) اطلاعی نداشته باشد امکان‌پذیر بوده ولی این نظر با نظر نویسنده دیگر اهل سنت یعنی فخر رازی مغایرت دارد زیرا که وی در تفسیر خود در این خصوص چنین عنوان می‌دارد: (اینکه بگوییم صحابه، مسئله مباح یا حرمت را اطلاع نداشته‌اند، گفتاری باطل و غیر صحیح است زیرا که متعه به تقدیر مباح بوده و مانند ازدواج دائم است و احتیاج مردم به آن عمومیت داشته و واجب بوده است که همه مردم حکم متعه را بدانند همچنان که همه می‌دانستند ازدواج دائم مباح و نسخ نشده است).^(۲) فخر رازی، همان)

۲-۵-۴- روش تکرار واقعی اباحه و تحریم ازدواج موقت

روش دیگر رفع تعارض که بیش از روش قبلی در کتب اهل سنت ملاحظه می‌گردد این است که گروهی از آن‌ها بیان داشته‌اند اگرچه روایات دال بر تحریم ازدواج موقت از نظر تعیین زمان تحریم باهم متعارض هستند لیکن حقیقت این است که متعه چندین بار حلال و سپس حرام شده تا اینکه بار آخر مؤبد گشته است. در تعداد دفعات اباحه و تحریم آن اختلاف وجود دارد به گونه‌ای که بعضی‌ها تکرار آن را تا دو و بعضی تا سه و بعضی حتی تا چهار مرتبه ذکر کرده‌اند ولی قول اول یعنی دومرتبه رایج‌تر و نهایتاً قول دومرتبه اباحه و تحریم، به صواب نزدیک‌تر است. (الحامد، بی‌تا، ۷۶- قرطبی، ۱۴۲۷، ج ۶، ۱۱۹ به نقل از ابن عربی) ولی این نظر نیز مانند نظر قبلی دارای مخالفینی از اهل سنت است که در بند بعد به آن پرداخته می‌شود.

۲-۵-۵- روش تحریم یک مرتبه‌ای متعه و رد دیگر زمان‌ها

بعضی از علمای اهل سنت جهت رفع تعارض موجود در روایت‌های مبین زمان تحریم ازدواج موقت به این شیوه تمسک نموده‌اند که ازدواج موقت در یک مرتبه خاص و در یک زمان معین، تحریم شده و روایت‌های دیگر دال بر تحریم ازدواج موقت در غیر آن زمان نادرست است. این دسته از علمای اهل سنت برخلاف دودسته قبل اعتقادی به تحریم و اباحه این نوع ازدواج در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ندارند چنانکه ابن قیم جوزیه فقط به تحریم یک مرتبه‌ای ازدواج موقت معتقد است و برخلاف ابن عربی بیان می‌دارد که احدی از علمای مسلمین قائل بدان نیست که قول به جواز و نسخ ازدواج موقت دو بار و یا حتی بیش از دو بار صورت یافته باشد. (ابن قیم، جلد ۲، ۲۰۴ برنامه نرم‌افزاری مکتبه الشامله) البته در میان این دسته بر سر تعیین زمان دقیق تحریم نیز اختلاف نظر مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که بعضی‌ها تحریم متعه را فقط در روز خیبر و نه در روز دیگر (وکیلی، ۱۳۷۵، ۱۲۰ به نقل از زرقانی، بی‌تا، ج ۳،

بازشاسی مبانی فریفتین در اباح ازدواج انتظامی بارو یکم تقریری ۲۴۲

(۱۵۳) و گروهی تحریم آن را در عمره القضاء (همان منبع، ۱۳۷۵، ۱۲۶ به نقل از نووی، بی تا، شرح صحیح مسلم، ج ۹، ۱۸۹) و گروهی فقط در عام الفتح (همان منبع، ۱۳۳ به نقل از ابن قیم ج ۲، تحریم در عام الفتح، ۲۰۶) و گروهی فقط در حجه الوداع (همان منبع، به نقل از سنن ابی داود، حدیث ۲۰۷۲) و گروهی فقط در جنگ تبوک (همان منبع، به نقل از بیهقی ۱۴۰۰، ج ۷، ۲۰۶) اعلام داشته‌اند؛ که در ادامه به ذکر و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۵-۵-۱- تحریم ازدواج موقت در روز خیبر

قول مخالفی در میان اهل سنت نیز دیده می‌شود چنانکه یکی از فقهای اهل سنت بیان می‌دارد: (تحریم متعه در غزوه خیبر نبود، زیرا در صحیح مسلم ثابت شده که مسلمانان، به اذن پیامبر در عام الفتح مبادرت به نکاح متعه می‌نمودند. حال اگر تحریم در غزوه خیبر باشد، لازم می‌آید که متعه دو بار منسوخ گردیده باشد- یعنی در خیبر حرام گردد و بعد در فتح حلال و سپس حرام شود.

چنین چیزی در شریعت اسلام دیده نشده کسی نیز بدان قائل نشده است از سوی دیگر در غزوه خیبر، اصولاً زن مسلمانی نبود تا کسی از او تمتع بنماید- و مالم تصور نهی معقول باشد تنها زنان یهودی حضور داشتند که جواز نکاح با آن‌ها بعداً در سوره مائده تشریح گشت. یعنی در آیه ۵ سوره مائده (الیوم اکملت لکم مائده/۳ و آیه فوق نیز در اواخر حیات مبارک رسول خدا (ص) یعنی بعد از حجه الوداع، یا دست کم در خود حجه الوداع نازل شده است- در نتیجه باید گفت که نکاح با زنان اهل کتاب، در غزوه خیبر، حلال نبود و مسلمین نیز رغبتی در نکاح با آن‌ها نداشتند. (همان، ۱۲۵ به نقل از ابن قیم، بی تا، ۲۰۴) و همین اعتقاد را زرقانی و عسقلانی در غلط بودن نهی در خیبر دارند. (همان، به نقل از زرقانی، بی تا، و عسقلانی، بی تا، فتح الباری، ج ۹، ۱۶۸۱۵۳)

۲-۵-۵-۲- تحریم در عمره القضاء:

ولی زرقانی می‌گوید: قول دیگر آن است که متعه در عمره قضا حرام گردیده است. لیکن عبدالرزاق، این روایت را از حسن بصری به صورت مرسل نقل می‌کند، و مراسل وی ضعیف است زیرا نامبرده روایت را، بدون تأمل و دقت در راوی آن اخذ می‌کرده است. (همان، ۱۲۹ به نقل از زرقانی، بی تا، ج ۳، ۱۵۳)

۲-۵-۵-۳- تحریم در عام الفتح

پاره‌ای از مردم که قول عمر بن خطاب را ناسخ جواز متعه می‌دانند در رد قول مزبور می‌گویند: باینکه مسئله نکاح متعه از مسائلی اساسی و مورد ابتلای جامعه مسلمانان بود مع‌ذلک، امام بخاری صحیح فوق را در صحیحش نیآورده در صورتی که اگر روایت فوق از نظر امام بخاری صحیح بود، آن را ذکر می‌نمود و یا بدان احتجاج می‌کرد.

از سوی دیگر، اگر روایات سبیه صحیح بود هرگز عمر بن خطاب به ابن مسعود اجازه نمی‌داد که روایت کند که: مسلمین در عهد رسول خدا "ص" استمتاع می‌نمودند و بعد از اثبات جواز متعه به آیه {یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طیبات} احتجاج نماید اگر روایت سبیه صحیح بوده عمر بن خطاب نمی‌گفت: نکاح متعه در زمان رسول خدا "ص" حلال بوده و من آن را حرام می‌نمایم بلکه می‌گفت: رسول خدا "ص" نکاح متعه را حرام نموده و از آن نهی فرمودند اگر روایت فوق صحیح بوده هرگز مسلمین در دوران ابوبکر صدیق به نکاح متعه عمل نمی‌نمودند. (همان، ۱۳۳، به نقل از ابن قیم ج ۲، تحریم در عام الفتح، ۲۰۶)

۲-۵-۵-۴- تحریم در غزوه تبوک

اما نظر مخالف این است که حدیثی که بر تحریم متعه در غزوه تبوک؛ غزوه‌ای بعد از فتح مکه؛ دلالت دارد حدیثی ضعیف است. (همان، به نقل از نووی، شرح صحیح مسلم، جزء ۶، ۱۱۸)

۲-۵-۵-۵- تحریم در حجه‌الوداع

اما ابن قیم الجوزیه قول مزبور را ضعیف و آن را ناشی از توهم روات می‌داند. (الحامد، بی‌تا، ۲۳، به نقل از ابن قیم؛) و بعضی دیگر چنین استدلال نموده‌اند که این روایت صحیح نیست زیرا در حجه‌الوداع از آنجایی که حجاج به همراه زنان‌شان مبادرت به انجام مناسک نموده بودند، اصولاً نیازی به متعه نداشتند تا حضرت آن را حلال نماید. (نووی، بی‌تا، شرح صحیح مسلم، ج ۹، ۱۹۱)

در ادامه به ذکر روایت‌هایی دیگر در منابع اهل سنت در راستای اثبات تحریم ازدواج موقت از دیدگاه آنان اشاره می‌شود که باین‌حال تعدادی از فقهای اهل سنت بر مردود بودن روایات نظر داشته‌اند.

۱- از جابر بن عبدالله روایت کرده‌اند که گفت: (همراه زنانی که با آن‌ها ازدواج موقت کرده بودیم، بیرون آمدیم که رسول خدا "ص" فرمود: این‌ها تا روز قیامت حرام‌اند. پس از این، آن‌ها با ما وداع کردند، و بدین خاطر،

آن محل را محل جدایی نامیدند، درحالی که پیش از آن محل پیوند بود. (عسکری، ازدواج موقت در اسلام، برنامه نرم‌افزاری مکتبه الشامله به نقل از هیشمی، بی تا، ج ۴، ۲۶۴ و العسقلانی، بی تا، فتح الباری، ج ۱۱، ۳۴) یکی از فقهای امامیه از قول یکی از فقهای اهل سنت راجع به این روایت چنین بیان نموده است: (اشکال این حدیث این است که هیشمی گوید: "این روایت را طبرانی در اوسط آورده و در سند آن، صدقه بن عبدالله است که احمد بن حنبل درباره او گوید: هیچ ارزشی ندارد. احادیث او منکر و ناشناخته است. و مسلم؛ صاحب صحیح؛ درباره او گوید: حدیث او منکر است.) (همان منبع، به نقل از عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۴، ۴۱۶)

۲- از ابوهیریه روایت کنند که گفته است: (با رسول خدا" ص" به سوی غزوه تبوک بیرون شدیم و در ثنیة الوداع فرود آمدیم. پیامبر" ص" زانی را دید که گریه می کردند، فرمود: برای چه می گریند؟ گفته شد: این‌ها زانی‌اند که شوهرانشان آن‌ها را متعه کرده و سپس از آن‌ها جدا شده‌اند رسول خدا" ص" فرمود: { حرام او هدم المتعه النکاح و الطلاق و العده و المیراث متعه } " ازدواج و طلاق و عده و میراث ازدواج موقت را حرام یا نابود کرده است. " این روایت در مجمع الزوائد چنین است: رسول خدا" ص" چراغ‌هایی دید و زانی را که می‌گریستند. (همان منبع، به نقل از بیهقی، بی تا، ج ۷، ۲۰۷ و هیشمی، بی تا، ج ۴، ۲۶۴ عسقلانی، بی تا، فتح الباری، ج ۱۱، ۷۳)

نویسنده مزبور امامیه راجع این روایت نیز از منابع اهل سنت بیان نموده است:

درباره اشکال این حدیث چنین گفته‌اند که در سند این حدیث، مؤمل بن اسماعیل، ابوعبدالرحمان عدوی است که در سال ۲۰۵-۲۰۶ وفات کرده به صورتی که نویسنده اهل سنت بیان می‌دارد: (بخاری گوید: حدیث او منکر و ناشناخته است. و دیگری گفته است: کتاب‌هایش را دفن کرد و بعد " بدون نوشته " روایت می‌کرد و بدین خاطر، خطا و اشتباه او بسیار است، به اندازه‌ای که گاهی، توقف در برابر حدیث او بر اهل علم واجب است. زیرا او روایات منکر و ناشناخته را از قول شیوخ ثقه و مورد اعتماد نقل می‌کند، " به آنان می‌بندد " و این بسیار بدتر است. چه، اگر این روایات منکر و ناشناخته از قول راویان ضعیف بود، برای آن عذری می‌تراشیدیم.) (همان منبع، به نقل از عسقلانی، بی تا، تهذیب التهذیب، ج ۱۹، ۳۸۱-۳۸۰)

احادیثی دیگر نیز بر تحریم ازدواج موقت در منابع مورد اشاره قبل وجود دارند که به مانند فوق با هم توسط بزرگانی از اهل سنت در همان منابع مورد تعرض قرار گرفته‌اند که با توجه به ذکر نمونه‌ای از آن‌ها در مطالب فوق جهت جلوگیری از طولانی شدن مطلب از ذکر آن‌ها در این مقام صرف‌نظر می‌گردد. و علاقه‌مندان

می‌توانند به منابع مربوطه از جمله کتاب ازدواج موقت در اسلام به نویسندگی علامه عسکری که آن‌ها را در این مجموعه گردآوری نموده است مراجعه نمایند.

درمباحث بالا روش‌های رفع تعارض در دلایل تحریم ازدواج موقت در فقه اهل سنت مورد اشاره و هر یک مورد تحلیل واقع شده‌اند اما ملاحظه می‌گردد در بین این روش‌ها راه حلی که در آن حوزه فقهی دارای حداقل مقبولیت نسبی در بین آنها برخوردار باشد و یا اینکه دارای مبنای مرجعی باشد ملاحظه نمی‌گردد.

۳- نهی خلیفه دوم از ازدواج موقت

بعضی از مفسران اهل سنت جهت اثبات تحریم ازدواج موقت به نهی خلیفه دوم استناد و بیان نموده‌اند که سخن خلیفه دوم در تحریم متعه خود نشان از این دارد که شخص پیغمبر اکرم (ص) در زمان حیات آن را نهی نموده است. (فخر رازی، بی تا، ۵۱، به نقل از رشید رضا، ۱۳۲۸، ج ۵، ۱۵)

اصولاً آغاز جدال بین شیعه و سنی درباره مسئله ازدواج موقت از همین جمله خلیفه دوم است که گفت: (متعتان کانتا علی عهد رسول الله "ص" أنا أنهی عنهما و أعاقب علیهما؛ متعه الحج و متعه النساء) (بیهقی، همان منبع) (در زمان رسول خدا "ص" دو متعه روا بود؛ متعه زنان (ازدواج موقت) و متعه حج؛ و من آن دو را نهی و مرتکبین آن را مجازات می‌کنم). البته این روایت در اکثر کتاب‌های فقهی اهل سنت در باب نکاح متعه آمده است و فقیهان امامیه نیز به استناد این روایت استدلال کرده‌اند که تحریم ازدواج موقت از سوی خدا و پیامبرش نبوده بلکه خلیفه دوم آن را نهی نموده است. در مقابل نیز اهل تسنن با توجه به اعتقاد بر تحریم متعه از سوی کتاب خدا و سنت رسول او و نه توسط خلیفه دوم، به بیان تفاسیر یا توجیهاتی مختلف درباره این سخن خلیفه دوم در جهت اثبات اعتقاد خود برآمده‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۳-۱- ماهیت نهی خلیفه دوم از متعه

امام نووی بیان می‌دارد: (که این سخن عمر محمول است به افرادی که باوجود نسخ متعه در زمان پیامبر همچنان متعه می‌نمودند و به آنان موضوع نسخ متعه ابلاغ نگردیده بود و زمانی که با این جمله عمر تحریم متعه به آنان ابلاغ شد متعه را ترک نمودند.) (امام نووی، بی تا، شرح صحیح مسلم، ۱۲۵-۱۲۴) ولی باین حال در تفسیر کبیر ملاحظه می‌گردد که صاحب آن؛ فخر رازی؛ یکی دیگر از علمای اهل سنت با این استدلال موافق نبوده و بیان داشته است که (اینکه بگوییم صحابه، مسئله مباح و یا حرمت را اطلاع نداشته‌اند، گفتاری باطل و غیر صحیح است زیرا که متعه به تقدیر مباح بوده و مانند ازدواج دائم است و احتیاج مردم به آن عمومیت داشته

و واجب بوده است که همه مردم حکم متعه را بدانند همچنان که همه می‌دانستند ازدواج دائم مباح و نسخ نشده است. (فخر رازی، همان منبع)

یکی دیگر از علمای اهل سنت در کتاب خود بیان می‌نماید که (نهی پیغمبر "ص" بر ازدواج موقت در حدیث الربیع بن سبره جهنی ثابت می‌گردد و نهی عمر با نهی پیغمبر "ص" موافق است و عمر هیچ‌گونه اجتهادی انجام نداده است حتی در ادامه به ذکر روایتی اهتمام می‌ورزد که ابن ماجه از ابی بکر بن حفص و از ابن عمر روایت می‌کنند که زمانی که عمر خلیفه گردید خطبه خواند و بیان داشت که رسول خدا "ص" برای ما متعه را حلال و پس از سه روز آن را حرام نمود. (عسقلانی، فتح الباری، ج ۹، باب نکاح متعه، ۱۷۲) ولی با این حال در مقابل یکی از فقهای امامیه از قول بزرگان اهل سنت چنین بیان داشته است: (بیهقی در سنن کبرای خود روایت فوق را از عبدالله بن عمر ذکر می‌کند و در سند آن منصور دینار مشاهده می‌گردد و یحیی بن معین درباره او می‌گوید حدیثش ضعیف است و نسایی نیز می‌گوید حدیث او قوی نیست و همچنین بخاری گوید در حدیث او جای بحث است و عقیلی او را در ردیف ضعفا آورده است. (عسکری، برنامه نرم افزاری مکتبه الشامله به نقل از رازی، بی تا، ۱۷۱ و از الذهبی، بی تا، ۱۸۴)

همچنین در کتب اهل سنت روایت‌هایی درباره تقوی و خداترسی عمر و احترام وی به پیامبر اکرم (ص) وجود دارد و استدلال شده وی که از نظر تقوا، اسوه و سرآمد و نسبت به پیامبر و سخنان او احترام خاصی قائل بوده است چگونه ممکن است از طرف خود و بدون اذن خدا و پیامبرش چیزی را حلال و یا حرام کند ولی این در حالی است که درباره وی روایت‌هایی نقل کرده‌اند که ایشان بارها فتوایی داده ولی به خاطر تذکر مردم درباره نادرست بودن آن‌ها و مخالفت با شرع، بازگشته است؛ مثلاً "محمدالحامد" در کتاب خود "المتعه حرام فی الاسلام" از قول ابن کثیر بیان نموده است که (ابویعلا از شعبی و وی نیز از مسروق روایت کرده است که عمر "رضی الله عنه" بالای منبر رفت و مردم را از زیادی مهریه‌ها منع نموده و پس از اینکه از منبر پایین آمد زنی به وی اعتراض نمود و سپس عمر "رضی الله عنه" سخن خویش را پس گرفت. (الحامد، بی تا، ۴۰-۳۹)

فخر رازی نیز جهت اثبات تحریم ازدواج موقت توسط پیامبر و نه خلیفه دوم، استدلال آورده است و خلاصه آن است که پس از اعلام نظر نمودن عمر درباره تحریم متعه، تمام صحابه در مقابل او ساکت شدند و این سکوت نه از ترس خشمگین شدن عمر، بلکه دلالت بر اطلاع آنان از تحریم ازدواج موقت در زمان پیامبر (ص) بوده است. (فخر رازی، همان منبع)

ولی علی‌رغم این نظر ملاحظه می‌گردد در روایت تحریم عمر از متعه، برای عاملین به آن مجازات سنگین سنگسار در نظر گرفته شده بود و باید گفت این مسئله خود می‌توانست عاملی برای ایجاد ترس صحابه گردد؛ مضافاً اینکه درباره غضبناک شدن عمر در کتاب‌های اهل سنت، روایت‌هایی دیده می‌شود به‌عنوان مثال: محمدالحامد در کتاب خود؛ متعه حرام فی الاسلام؛ از قول اسلم بیان می‌دارد که بلال جهت وارد شدن بر عمر "رضی‌الله‌عنه" اجازه می‌خواست و به اسلم گفت عمر را چگونه می‌بینی؟ وی در جواب گفت که بهترین مردم است مگر اینکه خشمگین گردد و آن امری عظیم است. (الحامد، همان) همچنین در کتب اهل سنت شاهد روایت‌هایی دال بر خشمگین شدن عمر بر سر موضوع متعه هستیم. (سیوطی، ۳۳۲، ۱۴۲۴)

۳-۱-۱- نهی حکومتی تحریم متعه

اگرچه در روایت مورد بحث (متعتان کانتا عهد رسول الله و أنا أنهی عنهما و أعاقب علیهما؛ متعه الحج و متعه النساء) متعه نساء و متعه حج باهم مورد نهی عمر قرار گرفته است و باوجود اینکه در مطالب قبل ملاحظه شد که از نظر فقهای اهل سنت منشأ تحریم متعه نساء نه به عمر، بلکه به پیغمبر اکرم منتسب است ولی جای تعجب است که برخلاف آن در مورد تحریم متعه حج، اهل سنت معتقدند که خلیفه دوم خود رأساً آن را نهی نموده است؛ چنانکه یکی از محققین اهل سنت بیان می‌دارد که: (متعه حج دوم که عمر از آن نهی کرده است، آن متعه حج است که این متعه، حج عمره و حج تمتع را باهم در یک ماه حج جمع می‌کرد که عمر آن متعه را رأساً نهی نمود.

آن‌هم به خاطر اینکه در غیر از ماه حج قشر زیادی از مردم برای تشریف به خانه خدا قصد نمایند و این سبب آبادانی شهر مکه گردد و نیز روایت شده که عثمان و عمر متعه حج را نهی نکردند بلکه نهی آن‌ها به قصد این بوده است که زیادی مردم در شهر مکه در غیر از ماه‌های حج استمرار پیدا کند و نیز برای سود بردن فقرا است. (الحامد، ۴۵-۴۴) وی در ادامه می‌گوید که: (نهی عمر از متعه حج دلالت بر نهی آن در معنی و منظور خاصی می‌کند نه اینکه دلالت بر عدم جواز متعه حج باشد و بدین ترتیب باید گفت در مسئله نهی متعه حج اختلاف در افضلیت و نه در اصل مشروعیت است. (همان منبع، ۴۵)

با توجه به نکته فوق که در سخن معروف خلیفه دوم متعه الحج و متعه النساء در یک جمله مورد نهی واقع شده‌اند فرض اینکه ازدواج موقت را به‌مانند متعه الحج شخص خلیفه دوم از باب حکم حکومتی تحریم نموده باشد فرض محالی نخواهد بود خصوصاً اینکه در تاریخ طبری، جلد دوم، باب سیره عمر روایتی از عمر

ابن سواده نقل شده است که خلیفه دوم اعتقاد داشته است که رسول خدا ازدواج موقت را در زمان ضرورت حلال دانسته و اکنون که مسلمانان در رفاه هستند دلیلی بر جواز آن نیست. در مجموع این دو مورد نشان از آن دارد که از نظر خلیفه دوم ازدواج موقت اولاً در زمان ضرورت مباح بوده ثانیاً متعاقباً توسط وی از باب مصلحت و حکم حکومتی منع شده است.

۳-۱-۲- دلالت نهی بر کراهیت شدید و عدم سوء استفاده فرد محصن

درباره چگونگی نهی خلیفه دوم از ازدواج موقت نیز روایتهای ذیل را نیز ذکر شده است که بیان و بررسی آنها خالی از لطف نیست از جمله:

ابن ماجه از ابن عمر نقل کرده است که (عمر بن خطاب زمانی که زمام امور را به دست گرفت بین مردم خطبه خواند و گفت که پیغمبر اکرم "ص" ازدواج موقت را برای سه روز به ما اجازه داد و سپس آن را برای ما حرام کرد. به خداوند متعال خبردار نشوم از مردی که زن دارد و زن متعه اختیار کند مگر اینکه حتماً او را سنگسار کنم. مگر اینکه چهار شاهد بیاورد که پیغمبر اکرم "ص" متعه را حلال نموده است.) (الحامد، ۱۶)

اگرچه که یکی از فقهای امامیه از قول بزرگان اهل سنت چنین بیان داشته است: (بیهقی در سنن کبری خود روایت فوق را از عبدالله بن عمر ذکر می کند و در سند آن منصور دینار مشاهده می گردد و یحیی بن معین درباره او می گوید حدیثش ضعیف است و نسایی نیز می گوید حدیث او قوی نیست و همچنین بخاری گوید در حدیث او جای بحث است و عقیلی او را در ردیف ضعیفاً آورد است.) (عسکری، همان به نقل از رازی، بی تا، ۱۷۱ و از الذهبی، بی تا، ۱۸۴)

با این همه باید گفت که این روایت حاکی از این است که از نظر خلیفه دوم در صورت ارائه بینه شرعی (ارائه چهار شاهد) جهت جواز ازدواج موقت شخص می توانست به ازدواج موقت اقدام نماید.

علاوه بر روایتهای مذکور که تا حدودی نشان از اعتقاد خلیفه دوم به اباحه ازدواج موقت در زمان پیامبر و حرام نمودن آن توسط شخص وی می تواند باشد. روایتهایی نیز در کتب اهل سنت درباره دلیل نهی عمر از ازدواج موقت مشاهده می شود. از جمله:

- از جابر بن عبدالله روایت کنند که گفت: (همه دوران رسول خدا "ص" و ابوبکر مقداری آرد و خرما مهریه می دادیم و ازدواج موقت می کردیم تا آنکه عمر به خاطر کاری که عمرو بن حرث انجام داده بود آن را ممنوع کرد.) (مسلم، بی تا، صحیح مسلم، ۱۰۳۳، ح ۱۴۰۵_ نووی، بی تا، شرح صحیح مسلم، ج ۹، ۱۸۳-)

در خصوص روایت فوق لازم به ذکر است یکی از نویسندگان اهل سنت که در مقام رد جواز ازدواج موقت کتابی به رشته تحریر درآورده است و در آن ضمن اشاره به روایات مربوط به جواز ازدواج موقت به آنان خدشه وارد نموده است اما راجع روایت فوق الذکر نگارنده به مطلبی که به آن ایرادی وارد نموده باشد مواجه نگردید (ما الله، ۱۳۹۴) در هر صورت روایت فوق نیز دلیلی است بر اینکه خلیفه دوم از باب مصلحت و حکم حکومتی ازدواج موقت را نهی نموده است.

با عنایت به مطالب پیش گفته به نظر می رسد که خلیفه دوم بر این نظر بوده است که ازدواج موقت در زمانی مباح بوده که ضرورت داشته و هنگامی که تحریم آن را در جمله معروفش مورد اشاره قرار داده است مفسده آن بیش از فایده اش بوده است.

لازم به ذکر است در فقه امامیه با مطالعه منابع آن حوزه ملاحظه می گردد اگرچه روایتهایی در تشویق افراد به انجام ازدواج موقت وجود دارد اما در روایاتی دیگر مورد تحریم قرار گرفته است و آن محدود به موارد مورد نیاز و ضرورت شده است (سردار، ۱۳۸۰، ۸۳) به همین دلیل یکی از نویسندگان فقه امامیه چنین بیان داشته است: (به نظر بنده آنجا که ائمه اطهار مردان زن دار را از این کار منع کرده اند به اعتبار حکم اولیه این قانون است. خواسته اند بگویند این قانون برای مردانی که احتیاج ندارند وضع نشده است، همچنان که امام کاظم ع به علی ابن یقظین فرمود: «آنجا که عموم افراد را ترغیب و تشویق کرده اند به خاطر حکمت ثانوی آن یعنی احیای سنت متروکه بوده است. زیرا تنها ترغیب و تشویق نیازمندان برای احیای سنت متروکه کافی نبوده است») (مطهری، ۱۳۵۷، ۵۰) نویسنده دیگر در ادامه چنین می نویسد بنابراین متعه فی نفسه امری مباح است و با عناوین ثانوی و بلا عرض ممکن است به احکام خمسه دیگر متصف شود، چنان که صاحب حدائق در مورد اصل ازدواج می فرماید اساساً ازدواج فی نفسه مستحب بوده ولی به اعتبار مسائل جانبی ممکن است به احکام خمسه تبدیل شود. (هاشمی، ۱۳۸۶، ش ۳۵)

نتیجه گیری

۱- نظریه عدم دلالت قرآن بر تحریم ازدواج موقت و بلکه بر اباحه آن در بین مفسرین اهل سنت به مانند آنچه که بین مفسرین امامیه مورد اتفاق هست جدی می باشد.

۲- در خصوص روایات منسوب به پیامبر اکرم که مورد استناد جهت تحریم ازدواج موقت قرار گرفته باشد حتی یک روایت که مورد اتفاق بین فقهای اهل سنت در تحریم باشد و توسط شخص یا اشخاصی از

آنان مورد تعرض واقع نشده باشد دیده نمی‌شود. با این وصف با وجود برخی فتاوی در مذهب اهل سنت که به استناد روایت بر تحریم ازدواج موقت صادر شده اند اما مبانی روایی به صورت یقینی دلالتی بر تحریم ندارد. ۳- بر خلاف قرآن و روایات منسوب به پیامبر اکرم که دلالت یقینی به تحریم ازدواج موقت ندارند اما

صدور نهی از ناحیه خلیفه دوم بین فریقین مورد اتفاق می‌باشد.

۴- بندهای قبلی خود به این نتیجه انجامیده می‌شود که آن‌چنان که مذاهب اهل سنت اعتقاد دارند که متعه حج که همراه با ازدواج موقت مورد نهی خلیفه دوم قرار گرفته به خاطر مصلحت و حکم حکومتی بوده و مربوط به زمان خاص خود بوده و اکنون عمل به آن جایز است در مورد ازدواج موقت نیز چنین است و بدین ترتیب نظریه تحریم مطلق این نوع ازدواج از مبناى بالاتر دیدی برخوردار نیست.

۵- در فقه امامیه اگرچه ازدواج موقت مباح هست اما این اباحه مطلق نبوده و بنا به شرایط ممکن است شامل احکام خمسسه گردد و حتی از باب حکم حکومتی نیز مورد تحریم قرار گیرد.

۶- نتایج مذکور در بندهای فوق خود منجر به این نتیجه میشود که به نظر می‌رسد در واقع مبانی ازدواج موقت که مورد استناد فقهای اهل سنت در تحریم مطلق ازدواج موقت قرار می‌گیرد دلالت واقعی بر تحریم مطلق ندارند و این ازدواج از باب مصلحت حکومتی مورد نهی قرار گرفته است و از طرفی دیگر در فقه امامیه نظریه تحلیل مطلق ازدواج موقت با زن خالی از موانع نکاح آنچه که مشهور در این حوزه هست از حیث مبانی تحلیل نظریه‌ای صحیح نمی‌باشد. چه اینکه حتی ازدواج موقت با زن خالی از موانع نکاح بنا به اقتضائات و مصالحی ممکن است مورد احکام خمسسه نیز قرار گیرد. بدین ترتیب باید بر آن بود از حیث اصل مبانی بین فریقین در حکم ازدواج موقت تعارضی واقعی وجود ندارد و اگر تعارضی هست ظاهری بوده و در فتاوی می‌باشد و نه در مبانی فتاوی. زیرا که مبانی فقهی اهل سنت دلالت بر این دارند که ازدواج موقت از بابت حکم ثانویه حکومتی مورد نهی واقع شده است و در فقه امامیه نیز اباحه این ازدواج مطلق نیست و ممکن است مورد حکم ثانویه تحریم نیز قرار گیرد.

آنچه بدیهی است تمام افراد جامعه باوجود نیاز به ازدواج دائم توانایی انجام آن را ندارند و به هر حال عدم پاسخگویی صحیح به بعضی از نیازها نه تنها مفید نیست بلکه از جوانب مختلف کاملاً مضر است و در جوامعی که ازدواج موقت پذیرفته شده است می‌توان تا حدودی قائل بر وجود راهکاری پیش‌بینی شده جهت جبران کاستی‌ها و کمبودها ناشی از عدم توانایی بر ازدواج دائم شد اما در جوامعی که ازدواج موقت پذیرفته شده نیست خلأ ناشی از نبود آن همواره احساس می‌گردد. البته این نظر نباید باعث شیوع شهوت‌رانی و دلیلی بر سو استفاده

۱۲۵۶ / مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۲۳۳-۲۵۹

گردد و باید در حد ضرورت به آن اکتفا نمود و کاربرد نابجایی آن ممکن است بنا به مورد شامل حکم کراهت یا حرام قرار گیرد.

منابع فارسی

۱. ما الله، ابو عبدالرحمن محمد، ۱۳۹۴، ازدواج موقت و پیامدهای آن، سایت عقیده
۲. سردار، سکینه، ۱۳۸۳ ه. ش، پژوهش پیرامون ازدواج موقت و آثار آن، مدرسه علمیه پیروان حضرت زهرا
۳. هاشمی، سید حسین، ۱۳۸۶، نقدی بر ازدواج موقت در فقه عامه، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۵
۴. عباس زاده، عباس، ۱۳۸۷ ه. ش، ازدواج موقت، نیاز امروز، نشر شاکر، چ اول، قم
۵. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، قم، چ هشتم، ۱۳۵۷
۶. وکیلی، مهناز؛ ازدواج موقت، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد تهران مرکزی، ۱۳۷۵ ه. ش

منابع عربی

۷. ابن قیم، شمس الدین محمد بن القیم جوزیه؛ زادالمعاد فی هدی خیرالعباد، ج ۲، لوح فشرده برنامه نرم افزاری مکتبه الشامله.
۸. ابی المنذر، لابی بکر محمد بن ابراهیم، ۱۴۲۶ ه. ق، الاشراف علی مذاهب العلماء، ج ۵، مکتب الثقافیه، امارات العربیه
۹. امام احمد، مسند احمد، بی تا، ج ۴.
۱۰. الحامد، محمد؛ بی تا، نکاح المتعه حرام فی الاسلام، نشر دارالدعوه، حلب
۱۱. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل الجحفی؛ ۱۴۰۸ ه. ق، صحیح بخاری، ج ۱۹، با تحقیق د. مصطفی دیب البغا، الیمامه، دار ابن کثیر، بیروت
۱۲. بیهقی، احمد بن الحسین بن علی؛ ۱۴۰۰ ه. ق، سنن کبر، ج ۷، با تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، نشر مکتبه الدار الباز، مکه المکرمه
۱۳. جصاص، ابوبکر احمد بن علی الرازی، احکام القرآن، ج ۴، لوح فشرده برنامه نرم افزاری مکتبه الشامله.
۱۴. رشیدرضا، تفسیر المنار، ۱۳۲۸ ه. ق، ج ۵، مجله المنار، چاپ اول - مصر
۱۵. زمخشری، تفسیر کشاف، ۱۲۷۹ ه. ق، ج ۲، اللیس الواقع فی دارالاماره، کلکته

۱۶. الزرقاء، احمد بن الشیخ محمد؛ بی تا، شرح القواعد الفقهیه، تعلیق: مصطفی احمد الزرقاء، دارالقلم، چاپ ششم، دمشق
۱۷. السیوطی، جلال الدین؛ ۱۴۲۴ ه.ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، نشرهجر للبحوث و الدرايات العربیه والاسلامیه، چاپ اول، قاهره
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، بی تا، تفسیر المیزان، ج ۴، <http://lib.eshia.ir>
۱۹. طبری؛ تفسیر طبری، بی تا، ج ۸، نشر مکتبه ابن تمیمه، قاهره
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر؛ بی تا، تفسیر کبیر، ج ۵ و ۱۰، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بیروت
۲۱. قرطبی، النمری؛ ۱۴۲۷ ه.ق، الجامع الاحکام القرآن، ج ۶، نشر مؤسسه الرساله، چاپ اول، بیروت
۲۲. محمدی، یوسف جابر، تحریم المتعه فی الكتاب السنه، برنامه نرم افزارى المکتبه الشامله.
۲۳. متقی هندی؛ کنز العمال، جزء ۶ و ۱۶ لوح فشرده برنامه نرم افزارى المکتبه الشامله.
۲۴. نووی، بی تا، شرح صحیح مسلم، ج ۶ و ج ۹. برنامه نرم افزارى المکتبه الشامله.
۲۵. ابن منظور، لسان العرب، بی تا، ج ۴ و ج ۷؛ نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع)
۲۶. ابن نجیم، بحر رائق، ج ۳، نرم افزار کتابخانه اهل بیت (ع).
۲۷. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، بی تا، الحدائق الناضره ۲۴ و ۲۵، نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع)
۲۸. پارسا، فرزاد، ۱۳۸۴، ترجمه محمد عزیز حسامی، فقه منهجی در مذهب شافعی، جلد ۲، سندج، انتشارات کردستان، چاپ اول
۲۹. الجزیری، عبدالرحمن، ۱۴۱۰ ه.ق، الفقه علی مذاهب اربعه، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت
۳۰. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود، ۱۳۸۲، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیه السلام، ج ۱، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی، نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع)
۳۱. دسوقی، حاشیه دسوقی، ج ۲، نرم افزار کتابخانه اهل بیت (ع)
۳۲. الرعینی، مواهب الجیل، ج ۵، نرم افزار کتابخانه اهل بیت (ع)
۳۳. شربینی، محمد بن احمد، الاقناع فی حل الالفاظ اب شجاع، ج ۲، نرم افزار کتابخانه اهل بیت (ع).
۳۴. شیرازی، ناصر مکارم، ۱۴۲۴ ه.ق، کتاب النکاح (مکارم)، ج ۵، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب

علیه السلام، قم - ایران، اول

۳۵. عبد الوهاب، خلاف، بی تا، احکام احوال شخصیه، ج دوم

۳۶. قرشی، سید علی اکبر، بی تا، مفردات نهج البلاغه (فارسی)، ج ۲، نرم افزاز جامع فقه اهل بیت(ع)

۳۷. محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، بی تا، مختصر نافع، نرم افزاز جامع فقه اهل بیت(ع)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

***Funds Subscription Basics Sects In marriage Temporary marriage
Identification Basics Sects in Haram Temporary marriage with an
approximate approach***

Abstract

Although there was a consensus on the permission of temporary marriage the beginning of Islam, Sunni jurisprudence, believing the prohibition of it by the Qur'an, the Prophet and the emphasis of the second caliph on it, is considered an illegitimate marriage. However, since the issuance of this sanction by the Qur'an and the Holy Prophet is doubtful, but the very issuance of the sanction by the second caliph is certain and agreed upon by the two sects, order to examine the principles of the sanction and contrary to Sunni scholars, expediency is very reliable and the sanctions imposed will not be valid for any time and place. Thus, the theory of absolute boycott of intermittent marriage will be incorrect. Imami jurisprudence, the analysis of this marriage is based on the definite precedent of its ablation, the validity of the sanctity of the sanction, and finally the advice of the Imams to perform it, and thus the removal of doubt in the sanction and the certainty of its immorality. However, contrary to the ruling attributed to Imami jurisprudence, is absolutely absurd, but it does not have this ruling in terms of examining the basics, and according to the requirements of time and place, includes five rules. Thus, terms of analysis and research in basics, and contrary to popular belief, seems that the two parties have a common denominator the absence of absolute sanctions and the absolute absence of this type of marriage. This research, the research method is analytical and descriptive.

Keywords: *Temporary marriage enjoyment Benevolence sanctity abrogation.*